

سرمقاله

بایدها و نبایدهای بودجه ملی

محمد رضا هویدا

بودجه ملی سال ۱۳۹۶ همچنان با مشکلات سالهای گذشته وارد پارلمان شد و مثل سابق از تصویب باقی ماند. از غیرمتوازن بودن بودجه توسعه‌ای بین ولایات مختلف، مشکلات در اصولنامه تطبیق بودجه، دقیق نبودن میبزان در آمد داخلی، انتقالی بودن اکثریت بودجه انشکافی، نبود پروژه‌های درآمزا، شامل شدن پروژه‌های تکمیل شده در طرح بودجه و توجه کم به بخش معارف و زنان به عنوان دلایل رد بودجه عنوان شده اند. بودجه ملی سال ۱۳۹۶، ۴۶۶ میلیارد افغانی، مشمول ۲۸۷ میلیارد افغانی بودجه عادی و ۱۷۸ میلیارد افغانی بودجه انکشافی است.

حقیقت این است که بودجه ملی افغانستان هر ساله با مشکلات همیشگی تپیه می شود که برای مردم افغانستان غیر قابل قبول است. عدم توازن یکی از مشکلات همیشگی این بودجه است. بودجه به صورت مکرر به بخش هایی از کشور توجه می کند و به بخش های دیگر کمتر توجه دارد، به مناطقی توجه زیاد تر و به مناطقی کمتر توجه دارد. بهانه های زیادی نیز برای تکرار هر ساله این موضوع آورده می شود. موضوع دیگر غیر عادلانه بودن بودجه ملی است که آن نیز هر ساله تکرار می شود. امکانات و عواید در آمدهای دولت برای همه مردم به صورت عادلانه تقسیم نمی شوند. هنوز هم مناطق جغرافیایی افغانستان به ولایات درجه اول و دوم تقسیم می شوند و هنوز هم به ولایاتی این کشور کمتر توجه می شود و به ولایاتی دیگری بیشتر توجه می شود.

اما با همه اینها اسمسال موضوع تصویب بودجه به رد صلاحیت و معرفی وزرای جدید نیز از تباطی پیدا کرده است. چندی پیش ولسری جرگه با استیضاح اکثریت وزاری کابینه، به دلیل عدم مصرف بودجه شماری از آنها را رد صلاحیت کرد و از حکومت خواست تا افراد جدیدی را به جای وزارت قبلی برای گرفتن رای تایید وکلا به پارلمان معرفی نماید. در مقابل حکومت نیز موضوع را برای اظهار نظر به ستره محکمه فرستاد و وزاری سلب صلاحیت شده را به عنوان سرپرست به پستهای قبلی شان گماشت. پارلمان نیز به تصویب بودجه به عنوان یکی از ابزارهای فشار بر حکومت نگریسته و در شماری از اظهار نظرها از تصویب و رد بودجه به عنوان ابزار فشار بر حکومت یاد شده است.

تصویب بودجه سال ۱۳۹۶ با دو معضل اساسی روبرو شده است، یکی ضعف های اساسی و مکرری که در بودجه ملی وجود دارد و هر ساله به آنها اشاره و انتقاد می شود و دیگری انتقام جویی و فشار بر حکومت وحدت ملی برای تن دادن به خواست پارلمان مبنی بر معرفی وزرای جدید. از طرفی جنجال های ولسی جرگه و حکومت برای تصویب پارلمان هر ساله، باعث می شود تا ادارات دولتی و در کل تمام بخش های کشور در پلالتکلیفی و سردرگمی به سر ببرند و نتوانند به وظایف و برنامه هایشان رسیدگی کنند. دولت افغانستان باید در تقاضم با پارلمان اول از همه موضوع سلب صلاحیت وزرا را به جدایی در فضایی کاملا حرفه ای و قانون بحث و بررسی نماید و نگذارد تا یک موضوع کاملا حقوقی به ابزاری برای انتقام گیری های سیاسی بدل شود و مردم افغانستان از این جهت صدمه و آسیب ببینند. وکلا و پارلمان نیز با درک این موضوع از هر گونه موضع گیری در مورد پارلمان با عطف توجه به موضوع سلب صلاحیت وزرا اجتناب ورزند.

اما بحث عدم توازن و عادلانه بودن بودجه کاملا یک خواست ملی و قانونی است که نمایندگان مردم نباید از آن به راحتی بگذرند. عدالت و توازن اصولی هستند که باید در تمامی کارهای دولتی و خصوص بودجه ملی که پایه فعالیت های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است در نظر گرفته شود. هیچ بهانه ای برای نادیده انگاشته شدن عدالت و توازن در بودجه ملی نباید مطرح شود.

برای امریکایی هایی که از اوباما نفرت دارند و حتی آنهايي که او را دوست دارند وقتی می بینند که چهل و چهارمین رئیس جمهور کشور خود را فرمانده کل قوا خطاب می کند ناخوشایند است چرا که وی نتوانسته است بر اوضاع نابسامان جنگ ها مسلط شود. وی در حالی کاخ سفید را ترک می کند که انتقادات زیادی علیه او می شود او را فقط نظاره گر اوضاع آشفته جهان می دانند. به همین خاطر ملت خسته، از عملکردهای اوباما به ترامپ روی آوردند، کسی که اوباما را متهم کرد که با سیاست های نرم و احمقانه اش به کشور خیانت کرد. نتوانست کشور را بخصوص در مقابل حمله دولت اسلامی (داعش) امن نگه دارد.

ترامپ وعده داده که به ملت سازی پایان میدهد و به ساختن مکتب، سرک و میدان هوایی در امریکا شروع خواهد کرد. او متحدانش را ملزم کرده است که برای امنیت شکان خودشان پول بپردازد. با این همه ترامپ این داستان سول ماهر داستان اینکه چرا کشور ما که آن را دوست داریم پانزده سال بدون کوچکترین دست آوردی در سراسر جهان مصروف جنگ علیه تروریسم هست را به مردم می گوید داستان او شامل سیاست مداران از جمله جورج دبلیو بوش است که باعث سقوط دیکتاتورهایی شدند که حتی ما شناختی از آن نداشتیم و نباید با آنها درگیر می شدیم. حکایت ترامپ درباره ناتوانی اوباما در کنترل اوضاع آشفته جهان طرفداران او را به وجد آورده است، کسانی معتقدند که یک رئیس جمهور سختگیر در کاخ سفید بیضوی می تواند فوری امنیت به امریکا را برگرداند. اما قصه های او تحریف کننده دکتربین نظامی اوباما است، اگر درخششی از جهان جوی های خون بیسه راه افتاد، حادثه غمباری انتساق افتاده مانند آنچه در سوریه می بینیم این ها نتیجه سیاست

نرم اوباما نیست. اوباما یک رهبر ملت ساز نیست، پس از گذشت سال ها نشان میدهد که بدنبال ایجاد دموکراسی نیست. او روی منافع ملی امریکا متمرکز است. به خاطر پیامدهای ناخواسته وقتی از او به مصاحبه آوردی می شود کمتر از خود علاقه نشان می دهد. تمرکز بر سیاست داخلی باعث می شود که او با احتیاط بیشتر نیروهای زمینی به نقاط دور بفرستد او دستور داده از تلفات غیرنظامیان تا حد امکان جلوگیری شود اما او صلح طلب نیست. اوباما دستور داده دشمنان امریکا باید کشته شوند چه با طیاره های بی سرنشین چه با نیروهای ویژه چه توسط متحدین امریکا و یا با ترکیبی از این سه روش.

من لکسینگتون در بازدیدم دسامبر در تور جهانی آخرین سفر وزیر دفاع امریکا در ۲۵۰۰۰ مایلی واشنگتن همراه وی هستم، اینجا در غرب کارپاره میدان هوایی که سابق مورد استفاده عراقی ها در دوره صدام بوده است این پایگاه در ۳۵ مایلی موصل شمالی

شیوه جنگ اوباما

نویسنده: لسینگتون/ مترجم: جانعلی شکرعلیزاده/ منبع: اکونومیست



قرار دارد، شیوه جنگ اوباما در اینجا غیر عادی است. پایگاه در نزدیکی ۵۰۰۰ جنگجوی داعش هست. سربازان عراقی با مشاوره امریکایی ها این جنگجویان می جنگند، این پایگاه خاکستری را سربازان امریکایی ماه خاکی می نامند بیشتر شبیه خاک ماه است. اطراف این پایگاه دیوارهای خیلی بلند کشیده شده و باعث می شود که آفتاب زودتر غروب کند، قبلا این پایگاه تا ماه جولای در تصرف داعش بود باند را با مواد منفجره تخریب کرده بودند. این منطقه روی نقشه ماندن یک نقطه بود اما حالا اینجینیران امریکایی باند میدان هوایی را با مصرف ۱.۹ میلیون پوند با سمونت تعمیر کرده اند و طیارات نظامی بعد از اکتبر آمد و شد می کنند از این پایگاه متحدین امریکا هم استفاده می کنند. کارت به همکاریاش در داخل پایگاه با موثرهای ضد ماین تردد می کند. در این پایگاه ۹۰۰ امریکایی است که در داخل خیمه های ضخیم، تخت خواب های محکم و سختی ساخته شده، درخت

کریمس برای جشن تزئین شده ، پشت این خیمه ها ، خیمه نامشخصی قرار دارد اینجا مرکزفرماندهی عملیات ها است امریکایی ها همراه با عراقی ها با لب تاب هایشان مصروف کارشان هستند وقتی که روزنامه نگاران حضورنداشتند صفحه بزرگی از تصاویر زنده که توسط طیاره های بی سرنشین ارسال می شد دیده می شد، یک نخته سفید رنگ بزرگی که روی آن نوشته شده درخواست حمله هوایی در گوشه ای دیده می شود. با وجود توصیه های اوباما تلفات زیاد است. یک کلینیک آرام باعث می شود که زخمیان، درد ناشی از بمباردمان هوایی طیاره های بی سرنشین را فراموش کنند. درخواست حملات هوایی را فراموش می کند. همیشه با خطر همراه است، راهنمایی طیاره ها و توپخانه برای هدف قرار دادن هر حرکتی در روی زمین ممکن است با اشتباهاتی همراه باشد. سربازان عراقی با مشاورین امریکایی قسمت اعمظم موصل را تصرف کردند و در حدود ۲۰۰۰

وضعیت قرمز برای دموکراسی های لیبرال

ششم در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است.

این گرایش به ویژه نزد جوانان بیشتر است. برای مثال محققان در تحقیقی که پیشتر منتشر کرده اند، محاسبه کرده اند که ۴۳ درصد آمریکایی ها مسین تر معتقداند که اقدام ارتش نامشروع خواهد بود اگر در صورت ناتوانی یا شکست حکومت، در اداره امور، قدرت را به دست بگیرد، دانشند ویران کرد. به همین ترتیب، وقتی لهستان در سال ۲۰۰۴ به اتحادیه رویا پیوست، به عنوان نمونه ای برجسته از کشورهای پساکومونیست تحسین می شد که به دموکراسی اس تثبیت شده گذر کرده است. لیکن آقای مونک و آقای او نشاندهای محکمی از تثبیت زدایی لهستان در همین دوران یافتند. همان اوایل ۲۰۰۵، حدود ۱۶ درصد لهستانی گفته اند که معتقد هستند دموکراسی روشنی «بد» یا «سبستا بد» برای اداره کشور است. این گزارش ادامه یافته تا آنجا که در سال ۲۰۱۲، ۲۲ درصد از پاسخ دهندگان اعلام کرده اند که از حکومت نظامیان حمایت می کنند. به علاوه، در اواسط دهه نخست قرن بیست و یکم، مجموعه ای از احزاب ضد نظام از جمله «قانون و عدالت»، «دفاع از نفس جمهوری لهستان» و «اتحادیه خانواده های لهستانی» رفته رفته در فضای سیاسی این کشور مورد اقبال عمومی قرار گرفتند.

امروز، این تب بیشتر به آنفولانزا شبیه شده است. «قانون و عدالت»، که ریاست جمهوری و اکثریت مجلس را در سال ۲۰۱۵ برد، به شکلی نظامند نهادهای دموکراتیک را تضعیف کرده است. تانلشهای حکومت برای تضعیف دادگاه قانون اساسی برای مثال، موجب شد تا اتحادیه اروپا در این مورد پرونده ای بگشاید و دست به تحقیق و تفحص بزند. بنا به گزارش اتحادیه اروپا، اقدامات حکومت لهستان «نه فقط اجرای قانون، بلکه کارکرد نظام دموکراتیک را در این کشور به مخاطره انداخته است.»

زنگ اعلام خطر؟ به سیستم هشدار اولیه مونک-فوا، نشانه های تثبیت زدایی دموکراتیک در ایالات متحده و بسیاری دیگر از دموکراسی های لیبرال امروز شبیه به علایم ونزوئلا پیش از بحران است. در سرتاسر جهان، در بسیاری از کشورها از جمله استرالیا، انگلستان، هلند، نیوزلند، سوئد و ایالات متحده، درصد مردمی که فکر می کنند «ضروری است» در کشوری دموکراسی زندگی کنند، کاهش یافته، و این درصد بویژه در میان نسلهای جوانان پایین تر است.

حمایت از جایگزی های خودکامه نیز افزایش یافته است. با استفاده از داده های حاصل از زمان تا کنون، دموکراسی ونزوئلایی به طرز قابل ملاحظه سقوط کرده است. در سال ۱۹۹۲، جناحی از ارتش ونزوئلا قادر به هوگو چاوز تلاش کرد علیه حکومت منتخب کودتا کند. چاوز با موجی از حمایت پوپولیستی در سال ۱۹۹۸ به ریاست

آماندا توب/ ترجمه لیلا سیف

که تعداد کشورهایی که «آزاد» طبقه بندی شده اند، به طور پیوسته از اواسط دهه هفتاد میلاد تا ابتدای دهه اول قرن بیست و یکم افزایش یافته اند. بسیاری از کشورهای آمریکای لاتن از حکومت های نظامی به دموکراسی گذر کرده اند؛ به دنبال آنها پس از پایان جنگ سرد نیز بسیاری از کشورهای اروپایی شرقی تحول مشابهی را پشت سر گذارند، و البته دموکراسی های لیبرال دیرپا در آمریکای شمالی، اروپای غربی و استرالیا نیز از همیشه مستحکم تر و پابرج تر به نظر می رسیدند. از سال ۲۰۰۵ تا شاخص های فریدم هانس سقوط سالانه آزادی را در جهان نشان می دهند. آیا این تغییر حاکمی از وجود الگوی معنادر است یا صرفا یک ناهنجاری آماری، نتیجه چند رخداد تصادفی در یک پروید زمانی به نسبت کوتاه است؟ مردم دیگر دموکراسی را دوست ندارند؟ برای پاسخ به این سوال، آقای مونک و آقای فوا فرمولی با سه فاکتور را طراحی کردند. آقای مونک معتقد است این فرمول یک سیستم هشدار اولیه است، و شبیه به یک تست پزشکی عمل می کند؛ در یک کلام، راهی است برای تشخیص بیماری دموکراسی قبل از آنکه تمام عارضه های آن پدیدار شود.

فاکتور نخست حمایت مردمی است؛ چه قدر برای شهروندان مهم است که کشورشان دموکراتیک باقی بماند؟ فاکتور دوم گشودگی عمومی به اشکال غیردموکراتیک و حکمرانی، مثل حکومت نظامیان است. و فاکتور سوم به این سوال برمی گردد که آیا «جنبشها و احزاب فند نظام» — احزاب سیاسی و دیگر بازیگران اصلی ای که هسته بنیادی پیام شان عدم مشروعیت نظام سیاسی موجود است — مورد اقبال مردم قرار دارند یا خیر؟

اگر حمایت از دموکراسی در یک کشور در حال کاهش باشد، و همزمان دو سنجه دیگر در حال افزایش، محققان آن کشور را در «درحال تثبیت زدایی» ارزیابی می کنند. یافته های این دو پژوهشگر نشان می دهد که تثبیت زدایی معادل سیاسی تپی با درجه پایین است که قبل از بروز تمام عیار آنفولانزا فرامی رسد.

ونزوئلا، برای مثال، در دهه هشتاد بالاترین امتیاز ممکن در شاخص های دموکراسی و حقوق سیاسی فریدم هانس را داشت. لیکن فعالیت های دموکراتیک در آنجا به شکلی عمیق ریشه دار نبود. ونزوئلا در آن دوران به ظاهر ثباتش هم در آزمون مونک- فوا به عنوان کشوری در حال تثبیت زدایی امتیازبندی شده بود.

از زمان تا کنون، دموکراسی ونزوئلایی به طرز قابل ملاحظه سقوط کرده است. در سال ۱۹۹۲، جناحی از ارتش ونزوئلا قادر به هوگو چاوز تلاش کرد علیه حکومت منتخب کودتا کند. چاوز با موجی از حمایت پوپولیستی در سال ۱۹۹۸ به ریاست

کمتر از سه دهه پس از آنکه فرانسیس فوکویاما امکان وجود جهانی متفاوت از دنیای تحت سیطره لیبرال دموکراسی را منتفی دانست، پژوهشگران و محققان علوم سیاسی هشدار می دهند که لیبرال دموکراسی اکنون نه فقط نظامی ابدی نیست که در آستانه فروپاشی و زوال قرار گرفته است.

اگر تا پیش از این، صرفا نظر به پردازان غالباً چپ گرای مخالف نظم موجود، پایان لیبرال دموکراسی را پیش بینی کرده و وعده می دادند، حالا طنین این ندا را از درون اردوگاه راست گرایان طرفدار لیبرالیسم نیز می توان شنید.

به ویژه پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، این نگرانی امروز در میان محققان علوم سیاسی بالا گرفته است که «پوپولیسم» بدل به کاتالیزوری شود برای سقوط نظامهای دموکراتیک در سرتاسر جهان. تحقیق باشا مونک و روبرتو استفان فوا نمونه ای از همین ابزار نگرانی و اعلام خطر است که ادعای آن بر داده های دقیق آماری بنا شده است. آماندا توب، تحلیلگر سیاسی در روزنامه نیویورک



- بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتوربست: خالق علی زاده

- دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسول وب سایت: غلام عباس اصلان

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده باز گردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر

دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

